



اگر شما قهرمان بودید... ۴

فهمیده‌های امروز



روزی برای شما

با نام و یاد خدای بزرگ و مهربان و شکر نعمت های بی شمارش، سلامی گرم و صمیمی به همه شما بچه های خوب. امیدواریم که تنتان سلامت و لبنتان خندان باشد. بچه های عزیز فردا سالروز شهادت شهید محمد حسین فهمیده و روز بسیج دانش آموزی است. این روز را به همه شما دانش آموزانی که مثل شهید فهمیده و وطن پرست و شجاع هستید و خوب درس می خوانید که در آینده برای کشورمان افراد مفید و تأثیرگذاری باشید، تبریک می گوئیم. خوب است بدانید سال ها پیش وقتی ارتش رژیم بعثی عراق به ایران حمله کرد، بسیاری از جوانان و نوجوانان این مرزوبوم در کنار بقیه مردم سلاح به دست گرفتند و از ایران دفاع کردند تا جایی از خاک وطن به دست دشمن نیفتد. شهید فهمیده هم یکی از این نوجوان های شجاع بود که برای دفاع از خاک ایران در مقابل تانک های دشمن ایستادگی کرد و سرانجام به شهادت رسید. این شجاعت او تا ابد در یاد و خاطره همه خواهد ماند. فراموش نکنیم برای اینکه ایران، قدرتمند، سرفراز، بزرگ و زیبا باشد، افراد زیادی جان خود را فدا کردند و ما باید به شهدا احترام بگذاریم و حواسمان به دشمنان کشورمان باشد.



طیبه ثابت



فهرست

- رنگین کمان ۱۱
- باران ۲۱
- گلدان پسته ای ۳۱
- فهمیده های امروز ۴۱
- صبحانه با جو دوسر پرک ۶۱
- ۲ کتاب خیلی قشنگ ۷۱
- سفر به اعماق زمین ۸۱
- برای ساختن ربات هابیم
- به کمبودهای دنیا فکر می کنم ۱۰۱
- شانه به سر ۱۲۱
- هر شغلی یک جایی ۱۴۱
- یک روز با هنرمند کوچولو ۱۶۱

- صاحب امتیاز:
- شهر داری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سر دبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- دبیر ضمائم:
- ارژنگ حاتم
- دبیر کوله پشتی:
- طیبه سادات ثابت
- مدیر هنری:
- سید هاشم دقیق
- گرافیک و صفحه آرایی:
- ملک جمعی
- ویراستار:
- طیبه غلام رضایی

- پست الکترونیک:
- sabet@shahrara.com
- نشانی سایت:
- shahrara.news.ir/fa/kids
- پیام رسان روز نامه: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
- داخلی مستقیم کوله پشتی: ۳۷۸
- توزیع و امور مشترکین: ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
- داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



رنگین کمان



سلام دوستان عزیز ورزش دوست. امروز قرار است با هم به یک رنگین کمان زیبا تبدیل شویم.

ابتدا پاها را بیشتر از عرض شانه باز کن.

حالا یک دست را بالا ببر و دست دیگر را روی ران پای همان سمت بگذار.

در حالی که دست بالایی را به سمت بالا و بیرون می کشی، دست پایین را روی پا شربده تاب دنت خم شود. دست بالایی باید کشیده بماند، مثل اینکه می خواهی از آسمان یک ستاره برداری. دستت را چند لحظه نگه دار، بعد با قدرت برگرد سر جای اول.

حالا همین حرکت را برای سمت دیگر انجام بده.

برای هر سمت، این حرکت را پنج بار تکرار کن و همراه با کشش به تنفس هم دقت کن تا دم و بازدم خوبی داشته باشی.

این حرکت باعث قوی شدن پهلوها، تقویت عضلات شکم و کمر و افزایش تعادل و انعطاف پذیری

می شود.



باران

ریخت باران آخرش
ابراخمو و خسیس
باز در یک ثانیه
هر کجا شد خیس خیس

بوی باران پخش شد
تاته آپارتمان
توی کوچه ریختیم
ما همه شادی کنان

در هوای سرد صبح
جشن باران شد به پا
به، چه صبح خوشگلی،
خوش به حال بچه ها!



لیلا غسیمی





گلدان پسته‌های

بچه‌های عزیز شما با پوست‌های پسته چه کار می‌کنید؟ حتما دور می‌اندازید. اگر دوست دارید با یک کار خلاقانه هدیه‌ای ارزشمند دست‌ساز بسازید همین حالا دست به کار شوید. ابتدا برای رنگ کردن پوست‌های پسته فقط کافی است آن‌ها را داخل رنگ بیندازید و در بیاورید.

اجازه دهید تا خشک شوند. سپس از پاکت‌های کاغذی یا کاغذکشی قهوه‌ای رنگ، نواری به طول بیست سانتی‌متر و عرض پنج سانتی‌متر برش دهید. یک طرف آن را با قیچی شیارشیار کنید و نوار را دور سیم پیچید و بچسبانید. آفرین! پرچم گل آماده شد. پنج پوسته‌ی پسته را دور پرچم بچسبانید. دقت کنید که گل‌ها و غنچه و برگ‌ها را روی سیم بچسبانید. حالا شاخه‌های گل را در گلدان قرار دهید.



طاهره عرفانی

چی لازم داریم؟

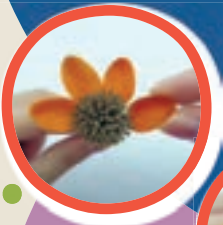
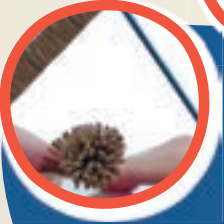
پوست پسته

چسب حرارتی

سیم نازک

قیچی

رنگ گواش یا آبرنگ





فهمیده‌های امروز



زد و حرف سعید را فراموش کرد و با خنده گفت: «آقا، اگر حسین فهمیده توی کلاس ما بود، هیچ وقت مثل احسان دیر نمی‌رسید.»

احسان که از همه جابی خبر بود، با تعجب به بچه‌ها و آقای معلم نگاه کرد. بعد هم جمله‌ی روی تخته را خواند و گفت: «آقا اجازه، اگر حسین فهمیده الان این‌جا بود، شاید آرزو می‌کرد در آینده مخترع شود تا اتوبوسی بسازد که یک ثانیه‌ای بچه‌ها را به مدرسه برساند.»

آقای معلم لبخند زنان از احسان خواست سر جایش بنشیند. دوباره بچه‌ها شروع کردند به گفتن نظرهایشان، علی فکر می‌کرد اگر حسین فهمیده در کلاسشان بود حتماً دلش می‌خواست در آینده یک فضانورد و دانشمند هوا فضا شود.

مرتضی نظرش این بود که شاید حسین فهمیده بخواهد یک دانشمند هسته‌ای شود.

پارسا گفت: «به نظر من که حسین فهمیده می‌توانست یک معلم خیلی خوب شود.» بعد هم نگاهی به عکس حسین فهمیده انداخت و حرفش را ادامه داد. آقای معلم لبخندی زد و گفت: «بله می‌توانست یک معلم خوب شود. البته الان هم یک معلم خوب است. او به همه‌ی ما و شما درس شجاعت و فداکاری داده‌است.» آقای معلم این را گفت و برای اینکه بچه‌ها را ساکت کند، دست‌هایش را به هم کوبید و ادامه داد: «حالا هر کدام یک انشای قشنگ درباره‌ی موضوع روی تخته، بنویسید.» بچه‌ها با هیجان و پیچ‌پیچ دفترهایشان را درآوردند و شروع کردند به نوشتن. کلاس ساکت شد. همه

بچه‌ها سر کلاس نشسته بودند که آقای معلم از راه رسید. آقای معلم از بچه‌ها یک سؤال پرسید. همه‌ی بچه‌ها دلشان می‌خواست جواب آقای معلم را بدهند. سؤال آقای معلم خیلی جالب بود. یک عکس هم توی دستش بود. لبخند زنان پرسید: «به نظرتان این عکس چه کسی است؟» علی داد زد: «من می‌شناسمش. حسین فهمیده است.» معین دستش را بالا برد و گفت: «آقا، امروز، روز دانش‌آموز است. حسین فهمیده هم یک دانش‌آموز قهرمان بود.» آقای معلم سرش را تکان داد و با مهربانی گفت: «بله، حسین فهمیده دانش‌آموزی بود که برای دفاع از کشورش به شهادت رسید. او واقعاً یک قهرمان بود.» بعد هم رفت پای تخته و با گچ روی تخته سیاه نوشت: «اگر حسین فهمیده الان این‌جا بود و بین شما نشسته بود، به نظرتان دوست داشت در آینده چه کاره شود؟»

حسین با عجله دستش را بالا برد و گفت: «آقا من بگویم؟ فکر کنم دوست داشت خلبان یک هواپیمای جنگی شود و قهرمانانه با هواپیمایش توی آسمان پرواز کند و از آسمان ایران دفاع کند.»

سعید که آخر کلاس نشسته بود بلند شد، ایستاد و گفت: «آقا اگر حسین فهمیده الان توی کلاس ما بود، حتماً شاگرد اول ما می‌شد. آن وقت این جلال داداش ما که شاگرد اول است، این قدر به نمره‌هایش پز نمی‌داد.» بچه‌ها همه زدند زیر خنده.

همین موقع در کلاس رازند و احسان که حسابی دیر کرده بود، نفس نفس زنان آمد توی کلاس و گفت: سلام آقا! جلال با دیدن احسان لبخندی





و می توانستیم از او خیلی چیزها یاد بگیریم. شاید او هم مثل من دلش می خواست در آینده یک دکتر داروساز متخصص بیماری خاص شود و همه ی مریض ها را با داروهایش از درد و بیماری نجات بدهد.» بچه ها با دقت به انشای علی گوش می کردند و در خیالشان حسین فهمیده را می دیدند که جلوی کلاس ایستاده و دفترانش دستش است و دارد انشایش را می خواند.

حواشان به این بود که بهترین انشا را بنویسند. دلشان می خواست حسین فهمیده ی انشای آن ها بهترین باشد. خیلی طول نکشید که علی دستش را بالا برد و گفت: «آقا ما نوشتیم، بیاییم انشایمان را بخوانیم؟» آقا معلم با لبخند اجازه داد. علی دفترش را برداشت و رفت جلوی کلاس. بعد هم لبخندی زد و با صدای بلند شروع کرد به خواندن: «اگر حسین فهمیده الان در کلاس ما بود، ما خیلی خوش حال بودیم





صبحانه با جو دوسر پرک

هوا دارد کم کم سرد می شود و بهتر است از صبحانه های گرم استفاده کنیم. مادر میلاد آن روز می خواست یک صبحانه ی خوش مزه درست کند. او مقداری جو دوسر پرک را داخل ظرف ریخت. بعد کمی شیر به آن اضافه کرد و روی گاز گذاشت. زیر گاز را کم کرد و مواد را آرام آرام هم زد تا آماده شود. بعد از اینکه مواد آماده شد آن را داخل ظرف ریخت و روی آن حلقه های موز و کمی دارچین ریخت. میلاد این صبحانه ی مقوی و خوش مزه را خیلی دوست داشت. بچه ها جو دوسر پرک از غذاهای خیلی مفید است و می توانید توی این فصل برای صبحانه از آن استفاده کنید.



چی لازم داریم؟

جو دوسر پرک: یک پیمانه

شیر: به میزان لازم

موز کوچک: یک عدد

دارچین: به میزان دل خواه





۲ کتاب خیلی قشنگ



قل قل جان و دنباله جادویی

نویسنده: شکوه تقی
شهر قلم ۱۳۹۸

داستان این کتاب درباره موش بازیگوش و شکمویی است که اسمش قل قل جان است و آرزو دارد هرجایی برود و هرچه می خواهد بخورد، اما دست هیچ گربه ای هم به او نرسد. «قل قل جان» به دیدن موش کور می رود و او برای دم موش کوچولو یک دنباله با پوست گرد و و پرکلاغ و یک تکه نخ درست می کند و به او می گوید دیگر هیچ کس زورش به او نمی رسد، اما نباید تمشک بخورد. قل قل جان تمشک خیلی دوست دارد. به نظرتان می تواند از فکر آن بیرون بیاید؟ خب بچه ها بهتر است بقیه ماجرا را با خواندن کتاب بدانید. این کتاب برای کودکان ۷ تا ۹ سال مناسب است.

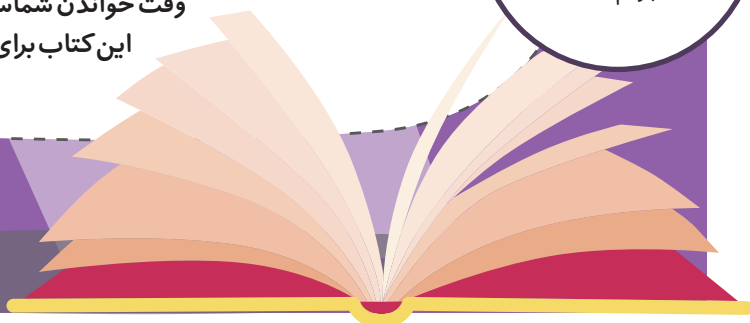


ماجرای این کتاب تخیلی از جایی شروع می شود که بچه سنگ ها از مامانشان می پرسند چرا تکه چوب روی آب می ماند، اما سنگریزه ها نمی توانند روی سطح آب شناور بمانند؟ مادر بچه ها برایشان کلی دلیل می آورد که چون سنگ هستند شنا برایشان ممکن نیست، اما گوش سنگریزه ها به هیچ پند و حرفی بد هکار نیست. یکی که می افتد توی آب و فرو می رود، باورش می شود که شنا ممکن نیست تا اینکه سروکله یک پری دریایی پیدا می شود و همه چیز تغییر می کند. خب حالا وقت خواندن شماست که از بقیه ماجرا با خبر شوید.
این کتاب برای کودکان ۷ تا ۱۰ ساله مناسب است.



سنگریزه های بدون اسم

نویسنده: سید نوید سید علی اکبر
شهر قلم ۱۳۹۸



سفر به اعماق زمین

۱ سلام بچه ها من قطره‌ی آبم. بیایید همراه هم سفری داشته باشیم به زیر زمین، جایی که آب های زیرزمینی آنجا زندگی می کنند. آب های حاصل از برف و باران یا به رودخانه ها و دریاچه های می ریزند یا در خاک نفوذ می کنند و سفره های آب زیرزمینی را تشکیل می دهند.

عباسعلی سپاهی یونسی



۲
نفرین
پایین
ت
بستگی
دارد، هر
بیشتری
نفوذ پیدا می کند
در جاهای مختلف، باید زمین

۳ بعضی مواقع آب های زیرزمینی آلوده می شوند. دفن زباله در خاک، نفوذ فاضلاب به خاک، استفاده ی زیاد از کودهای حیوانی و شیمیایی در کشاورزی و دستگاه های پمپ بنزین که بخشی از بنزین آن ها به دل خاک نفوذ می کند. آلوده شدن آب های زیرزمینی سلامت مردم را به خطر می اندازد.

۴ بسیاری از مردم جهان از آب های استفاده می کنند. این آب ها خیلی کم مهم ترین دلیل تشکیل آب های زیرزمینی خاصیت نفوذ پذیری آب به لایه های آب آن قدر نفوذ می کند تا به جایی و محکم باشد و در همان جا ذخیره

۵ استفاده ی زیاد از آب های زیرزمینی ضررهایی دارد. وقتی سطح آب های زیرزمینی کم بیشتری برای بیرون کشیدن آب از دل زمین لازم است. با پایین رفتن سطح آب های زیرزمینی دریاچه هایی که به آب های زیرزمینی وصل هستند، خشک می شوند. استفاده ی زیاد از آب می شود که بخش بزرگی از زیرزمین خالی شود و زمین فرو بریزد که خطرات زیادی ممکن است ساختمانی در نزدیک آنجا صدمه ببیند.





۳

بخشی از آب های زیرزمینی که در عمق کمتری قرار دارند، گاهی از زمین مانند چشمه می جوشند. بخشی از این آب ها که پایین تر می روند، سفره های آب زیرزمینی را تشکیل می دهند. چشمه های آب گرم بخشی از آب های زیرزمینی هستند. آب چشمه های آب گرم برای درمان بیماری های مختلف مفید است.



بوی کردن آب به لایه های
بره جنس و نوع لایه های زمین
چه خاک نرم تر باشد، آب به عمق
د. برای رسیدن به آب های زیرزمینی
را به اندازه های مختلفی گود کرد.

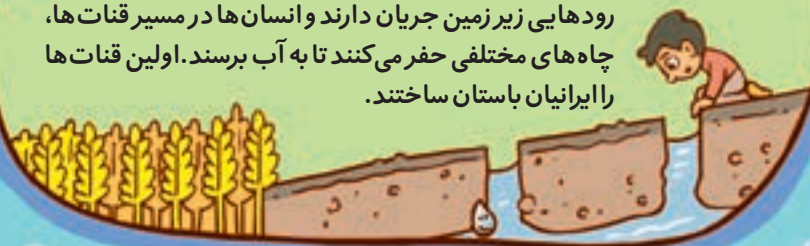
۵

ی زیرزمینی برای نوشیدن
کم هستند.
یمینی جاذبه ی زمین و
پایین تر خاک است.
برسد که زمین سفت
بیره می شود.



۴

آب های زیرزمینی به شکل های مختلف
از زمین بیرون می آیند از راه جوشیدن از زمین مثل؛
چشمه ها، از راه کندن چاه و از راه ساخت قنات. برای کندن چاه،
آن قدر زمین را گود می کنند تا به آب برسند. قنات ها به شکل
رود هایی زیر زمین جریان دارند و انسان ها در مسیر قنات ها،
چاه های مختلفی حفر می کنند تا به آب برسند. اولین قنات ها
را ایرانیان باستان ساختند.



۸

با استفاده ی کمتر از آب های زیرزمینی و فکر کردن به
راه های دیگر برای به دست آوردن آب، می توانیم از خشک
شدن آب های زیرزمینی جلوگیری کنیم. پس بیایید به فکر
راه های تازه باشیم. امیدوارم سفر خوش گذشته باشد.
تا سفر بعد خدا نگهدار.



ی شود، انرژی
یمینی رودخانه ها و
های زیرزمینی باعث
ست داشته باشد. مثلاً

گفت وگو با یک دانشمند کوچک:

برای ساختن ربات‌هایم به کمبودهای دنیا فکر می‌کنم

مصاحبه

بچه‌های خوب! دانشمند شدن فقط یک رؤیا نیست. همه شما می‌توانید یک دانشمند باشید به شرط اینکه علاقه و استعداد خود را بشناسید و برای رسیدن به هدف‌هایتان تلاش زیادی انجام دهید. طاهاشخصی در بند، نه سال و نیمه و دانش آموز مدرسه امام رضا (ع) است. او در سومین دوره مسابقات کشوری «مهارت کاپ روبونچ» باربات دست ساخته خود مقام اول را کسب کرده است. گفت وگوی ما با این دانشمند کوچک را دنبال کنید.



شبنم کریمی

تصمیمی برای آینده

یک روز در خانه مشغول بستن پیچ‌های یک اسباب بازی بودم که احساس کردم به این مدل کارها علاقه زیادی دارم و از مامانم خواستم مرا در کلاس رباتیک ثبت نام کند.

در همان جلسه اول به علاقه و استعدادم پی بردم و از آن به بعد این فعالیت را ادامه دادم. اولین موفقیت‌م را در مدرسه وقتی که نفر چهارم بخش نوآوری شدم تجربه کردم، پس از آن در مسابقه استانی با اینکه آن موقع فقط ترم یک الکترونیک رباتیک را گذرانده بودم موفق به کسب مقام دوم نوآوری شدم. به یادماندنی‌ترین پیروزی‌ام نیز تابستان امسال اتفاق افتاد که در بخش نوآوری رتبه اول کشور را به دست آوردم. در مسابقاتی که شرکت کردم بسیاری از شرکت‌کننده‌ها سنشان از من بیشتر بود، سطح مسابقات هم بالا بود و رقیب‌هایم هم واقعا خیلی باهوش بودند، با این حال به یاری خدا توانستم مقام بیاورم.

هدف بعدی‌ام این است که در مسابقات جهانی شرکت کنم و بهترین رتبه‌ها را کسب کنم. البته در کنار رباتیک به فوتسال هم به طور تفریحی علاقه دارم. مطالعه غیردرسی هم دارم و کتاب‌های علمی تخیلی و داستانی را می‌پسندم.





ایده ربات ها از کجا می آید؟

نخستین رباتم یک دستگاه پنکه بود که در فرهنگ سرای کودک و آینده ساختم. وقتی که با خودم خلوت می کنم ایده دست ساخته هایم به ذهنم می رسد و با کمک بزرگ ترها سعی می کنم به واقعیت تبدیلشان کنم.

برای ساختن ربات هایم به کمبودهای دنیا فکر می کنم، مثلاً الان در دنیا تولید برق یا آلودگی هوا از مشکلات انسان هاست. سپس با نگاه به اطرافم ایده هایی به ذهنم می رسد که شاید بتوانم وسیله ای برای حل این مشکلات بسازم.

به آینده که فکر می کنم تصورم این است که علم رباتیک می تواند کمک خوبی برای آدم ها باشد و کار انسان ها را راحت تر کند. به نظرم پیشرفت علم دنیا به ویژه در این چند سال اخیر واقعا خیلی زیاد بوده است، یک بار مستندی دیدم که یک ربات در کشور ژاپن وقتی سونامی آمد و ساختمان ها همه خراب شدند خودش دنبال انسان های زنده می گشت.



یک دانشمند الکترونیک مکانیک

هدفم برای آینده این است که یک دانشمند الکترونیک مکانیک بشوم، زیرا این استعداد را درون خودم می بینم. فقط برای رسیدن به هدفم باید خیلی تلاش کنم. به همین دلیل در سال تحصیلی جدید هم قصد دارم در کلاس های پژوهش سرای امام رضا (ع) شرکت کنم. در کنار آن فکر می کنم با برنامه ریزی می توانم هم زمان با درس و مشقم تفریح و فعالیت های فوق برنامه هم داشته باشم و کلاس رباتیک هم بروم.

به هم سالانم نیز پیشنهاد می کنم که اگر واقعا به رباتیک علاقه دارند فقط دنبال این نباشند که مقام بگیرند، در کلاس های مربوط به آن شرکت و برای بالا رفتن دانش خود تلاش کنند، عقیده دارم رباتیک یک رشته جدید است و افراد کمتری به این علم وارد شده اند. مثلاً بیشتر بچه ها فوتبال و رشته هایی مانند پزشکی را دوست دارند بنابراین با کمی تلاش بیشتر در رباتیک می توانیم از خودمان یک دانشمند بسازیم. به آن ها می گویم: بچه ها! تلاش و پشتکار خیلی مهم است و اگر دوست دارید در هر رشته ای مقام آور باشید باید همه ی انرژی خود را خرج کنید.

تلاش همه ی ما جراست

فکر می کنم موفقیتیم پس از لطف خدا حاصل تلاش و استعداد خودم و کمک اطرافیانم بوده است. برای پیشرفت در فعالیت هایم دوست دارم با استادان بزرگ علم رباتیک آشنا شوم و از آن ها دانش بیشتری یاد بگیرم، کلاس های مختلفی بروم که امکانات بیشتری هم داشته باشند، مثلاً حداقل توان این را داشته باشند که یک مدار واقعی درست کنند و به بچه ها نشان بدهند. از مسئولان هم درخواست دارم که در بالا رفتن سطح آموزش بچه ها کمک کنند. از معلم عزیزم خانم موسوی و پدر و مادرم و خواهرم هانا جان که در این مسیر خیلی به من کمک کرده اند، قدردانی می کنم.



شانه به سر



سید هاشم خاتمی

دنیا پر از آفریده های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می خواهیم برای شما دانستنی های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره **هَد هَد** را معرفی می کنیم.



رده

پرنده

راسته

منقار شاخی سانان

خانواده

هَد هَدیان

هَد هَد

نام علمی: **Upupa epops**

نام انگلیسی: **Eurasian Hoopoe**

پراکندگی در ایران

- تابستان گذرانی
- زمستان گذرانی
- مهاجر عبوری

هَد هَد پرنده ای تابستان گذران و مهاجر عبوری معمول کشورمان است. تعداد کمی از آن ها زمستان در استان خوزستان تا جنوب استان سیستان و بلوچستان و گاهی نیز در نواحی جنوبی دریای خزر باقی می مانند.

زاد و ولد

- در بهار بین ۵ تا ۱۲ تخم به رنگ خاکستری، زرد کم رنگ، زیتونی یا سبز کم رنگ می گذارند.
- تخم ها بعد از ۱۵ تا ۱۶ روز باز می شود.
- جوجه ها در ابتدا بدون پر و ناتوان هستند.
- بزرگ شدن جوجه ها نزدیک به یک ماه طول می کشد.



تغذیه

حشرات بزرگ به ویژه لاروها، ملخ، سوسک، کرم و گاهی مارمولک

لانه

آشیانه را در حفره های درختان، کپه های سنگ، شکاف ساختمان های قدیمی بنا می کند و آن را با پر، پشم، خار و خاشاک و سایر مواد گیاهی می پوشاند.





۱۳
شماره ۲۶۱
۷ آبان ۱۴۰۴



خصوصیات رفتاری

- معمولاً تنها زندگی می‌کند.
- در زمان مهاجرت در دسته‌های کوچک دیده می‌شوند.
- بال‌زدن‌هایش سروصدای اندکی دارد.
- پروازی بسیار آرام و موجی شکل با بال‌زدن‌های نامنظم دارد.
- بیشتر روی زمین است و کمتر پرواز می‌کند.

ویژگی‌های ظاهری

- طول بدن ۲۶ تا ۲۸ سانتی‌متر
- سر، گردن و سینه به رنگ صورتی نخودی
- نوارهای سیاه درخشان روی بال‌ها و دم
- کاکل بلند با انتهای سیاه
- منقار نازک و بلند و کمی خمیده
- بال‌های پهن

گرافیک: سید هاشم جلیلی

عمرزندگی

۱۰ سال

وضعیت حفاظت

کمترین نگرانی



هر شغلی یک جایی

کمیک



مرحمان استادی

تا حالا به شغل های مختلفی که دور و برتان هست دقت کرده اید؟ بعضی ها دکترو معلم هستند، بعضی ها هم مغازه دار، نانو یا تعمیرکار. همه این شغل ها به جامعه خدمت می کنند و ما باید به آن ها احترام بگذاریم، اما بعضی از شغل ها باعث آلودگی محیط زیست می شوند یا برای مردم مزاحمت ایجاد می کنند. این شغل ها باید استاندارد سازی شوند. امروز بچه ها توی کلاس درباره ی همین موضوع صحبت می کنند.



۱ آقا از بیرون بوی بدی میاد. باید پنجره رو ببندیم. خیلی بوش زیاده.

۲ بله... این بوی مواد شیمیایی هست که از باتری سازی بغل مدرسه میاد.



۳ بعضی از شغل ها مثل باتری سازی، تعمیرگاه ماشین یا ضایعاتی، باعث آلودگی هوا یا آلودگی صوتی میشن. این جور شغل ها باید استاندارد سازی بشن.

۴ آقا پدر ما تعمیرکاره. چه کار کنه. نمی تونه مغازه ش رو ببندد.



۵ آقا استاندارد سازی یعنی چی؟

۶ نزدیک خونه ی مایک تراشکاری هست سروصداش خیلی زیاده. همسایه ها هم شکایت دارن.



۷ استاندارد سازی یعنی اینکه این شغل ها نباید توی محیط شهری باشن. چون به مردم و محیط زیست آسیب می زنن.



۱۴



۱۵
شماره ۲۶۱
۷ آبان ۱۴۰۳



۱۲
مثل شغل من!
چند هفته توی فکرم
اگه بشه مغازه رو
جابه جا کنم. ولی
هنوز جایی پیدا
نکرده‌ام.

۱۱
امروز تو کلاس
در مورد شغل‌های آلاینده
صحبت کردیم.



۱۰
بله. تو هر شغلی
استاندارد مهمه. مثلاً تو شغل
معلمی استاندارد اینه که کلاس
درس باید امن باشه تا اتفاقی برای
شما نیفته.

۹
یعنی هر شغلی
که داشته باشیم باید
استاندارد باشه؟



۱۳
آدرس مجتمع
خدمات خودرویی رو بهت
میدم. پدرت می‌تونه بره اونجا
باهاشون صحبت کنه.

۱۳
علی: آقا پدرم می‌خواد
تعمیرگاهش رو بیره بیرون شهر،
ولی هنوز جایی رو پیدا نکرده.



۱۷
اگه بشه خیلی
خوبه. دیگه برای همسایه‌ها
هم مزاحمتی درست نمیشه.

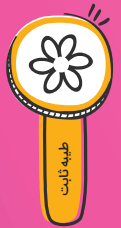
۱۶
چقدر خوب
شد. دیگه شما با خیال
راحت کار می‌کنین.

۱۵
امروز با مجتمع
خدمات خودرویی تماس
گرفتم. قرار شد فردا برم چند تا
مغازه رو ببینم.



یک روز با هنرمند کوچولو

از قدیم ندیما تا الان وقتی صحبت از باارزش ترین سرمایه و تمام نشدن ثروت پیش می آید، شنیده ایم و باز هم می شنویم که هنر بهترین سرمایه و داشته برای هر آدمی چه کوچک و چه بزرگ است. بین دوستان هم سن و سال شما هم، بچه هایی هستند که علاوه بر اینکه درس هایشان را خوب می خوانند، اتفاقاً پر جنب و جوش و اهل ورزش هم هستند و اوقات فراغتشان را با هنرهای دست خودشان، زیباتر می کنند. برای کسی که علاقه مند به هنرهای دستی است، فعالیت هنری، مثل بازی و سرگرمی، جذاب است و خستگی را از روح و جان دور می کند.

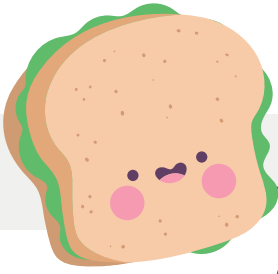


اسم این دختر خوب، آیناز رضانی است. آیناز ۹ ساله و دانش آموز خوب دبستان دکتر مُستَرشیدی است. تکالیف مدرسه، همیشه اولین کاری است که آیناز بعد از یک استراحت کوچک بعد از مدرسه انجام می دهد.



مگر می شود بدون ورزش سالم و قوی بود؟ عقل سالم در بدن سالم است. آیناز رشته بسکتبال را خیلی دوست دارد و هر روزش را با ورزش شروع می کند.





بچه های خوب همیشه مسئولیت پذیر هستند.
بی آنکه کسی از آیناز خواسته باشد، او کارهای
شخصی و مرتب کردن اتاقش را خودش انجام می دهد.
تازه در کارهای خانه نمونه است.



اهل مطالعه بودن و دوست کتاب بودن خیلی خوب است.
از کتاب خیلی چیزهای خوب می شود یاد گرفت. خواندن
کتاب های غیردرسی یکی از کارهای این دختر کوچولوی
هنرمند است.



گفتیم هنرمند، بله آیناز استاد درست کردن دستبندهای
قشنگ است. کافی است که بگویی چه دستبندی؟ با
مهره های رنگی یا چوبی یا سنگ های تزئینی، برایت شاهکار
خلق می کند.



آیناز یک خواهر به نام آیدا دارد که همیشه حرف هایش را به
او و یا عروسک هایش می گوید. خیلی خوب است که آدم یک
خواهر یا برادر داشته باشد تا هیچ حرفی توی دلش نماند.
آرزوی آیناز این است که خوب درس بخواند تا معلم خوبی
برای بچه ها بشود.

باتشکر از عکاس محترم
مامان آیناز



